

تهیه مقدمات و اجرای مراسم زناشویی در بین زرتشتیان ایران و پارسیان هند و سنگان

در شماره پنج مجله بشوتن شرح دادیم که چگونه و با چه تشریفات «اندروز گواه گیری» قرائت میشود و تقدیر شدیم که در چین اجرای مراسم گواه گیری برادر دامادان شیرین ، نخم مرغ ، قیچی ، پارچه سبز و مقداری «لرک» (۱) بالای سرداماد نشاء میدهد ، در این شماره بشرح بقیه تشریفات میپردازیم :

(۲)

پس از تمام شدن اندروز گواه گیری «دستور» دعای تندستی را با آهنگ مخصوص میخوانند و آویشن و شیرینی بسر داماد میریزد و بعروس و داماد تبریک میگویند و سایرین نیز در تبریک گفتن از او تبعیت میکنند و بعد برادر داماد تخم مرغی را که بالای سرداماد نگاه داشته بود بخارج از خانه پرتاب مینماید (۱) انار شیرین را میگذارند که عروس و داماد با هم بخورند و در بعضی نقاط عروس و داماد باتشریفات مختصری خوردن انار را انجام میدهند ولی در برخی نقاط دیگر انار را با شدت هرچه تمامتر بدیوار حیاط خانه میزنند بطوریکه انار شکسته و چند دانه آن بدیوار بچسبند هر چند دانه اناری که بدیوار چسبید تعداد فرزندان آن زن و شوهر تازه خواهد بود (۲)

پس از پایان تشریفات «گواه گیری» بعد عروین شام داده میشود و بعد از شام هر کدام از مدعوین که بخواهند بمعیت «دهوبد» برای «عروس کشان» بغانه عروس بروند ، رسیدن این اشخاص بغانه عروس با فریاد «ها پرو شاپاش» اعلام میشود و بعضی ورود آنها خواهر داماد با تقدم يك عدد کلاه قند و قدری آویشن و شاخه سرو و مورد بپدر زن و مادر زن اجازه میگیرند که عروس را بغانه داماد ببرند و چون اجازه حاصل شد دختر نزد پدر و مادر میرود و دست آنها را میبوسد و خدا حافظی مینماید سپس خواهر داماد دست راست را خواهر عروس دست چپ او را میگیرند و بستگان عروس پشت سر آنها میایستند و «دهوبد» و سایر همراهان که از بستگان داماد میباشند جلو آنها قرار میگیرند و تصمیم خود را مبنی بر هدایت و بردن عروس بغانه داماد با اطلاع عروس میرسانند (۴) بدین طریق جمعیت بدوجهبه که کاملاً بروی یکدیگر قرار گرفته اند تقسیم میشود ، در جلو دسته اول مردی از نزدیکان عروس برای گرفتن «پا انداز» میایستد و چون «دهوبد» بعروس تکلیف کند که برای رفتن بغانه داماد حرکت ننماید این شخص مانع شده

(۱) قبلاً شرح داده شده

- (۲) میگویند بخارج پرتاب کردن تخم مرغ از خانه نشانه اینست که پدر زن دختر خود را که مثل این تخم مرغ سر بسته ، دست نخورده است از خانه خود بیرون نموده است .
 (۳) گویند انار شیرین نشانه زیادی فرزندان و پارچه سبز نشانه سبز بختی و قیچی نشانه کشایش کار و لرک نشانه کام شیرینی است
 (۴) در بعضی نقاط «دهوبد» اشعاری را که در مراسم «نوزوتی» خوانده میشود با آهنگ بسیار دل فریبی میخوانند

و «پانداز» (۵) مطالبه میکند و تا بهره‌ای از آنرا را نگیرد بعروس اجازه حرکت نمیدهد، با حرکت این قافله «عروس کشان» شروع میشود. شخصی که پانداز میگیرد در تمام طول راه منتظر فرصت است که مطالبه پانداز نماید و با پیش آمدن کوچکترین موضوعی مثلا از قبیل هنگام عبور از پیچ جاده یا گذشتن از زیر سقف یا جلو درخت یا روی پل متوقف و «پانداز» میخواند در این قبیل مواقع دهبوبد و بستگان داماد باید با لطایف الحیل مثلا با خواندن اشعار مناسبی از سعدی و فردوسی و حافظ و یا سرودن اشعاری در مدح عروس یا «پانداز بگیر» آنها را بجلو بکشند و الا اگر بنا باشد در هر دفعه ای که «پانداز» مطالبه میشود بهره‌ای از آن تقدیم گردد بزودی میزان مقرر «پانداز» تمام شده و مجبورند از خارج تهیه نمایند. و البته بستگان داماد سعی مینمایند که چنین اتفاقی نیفتد.

این تشریفات بسیار جالب و در عین حال خسته کننده است و گاهی ممکن است تا چند ساعت «عروس کشان» بطول انجامد.

پیشاپیش این جمعیت شخصی که دو عدد چراغ لاله در دست دارد و پشت سر او حاملین طبق‌های آینه و کلاب پاش و تنگ شربت و جام روغن کرچک (که در خانه داماد بزمین میریزند) حرکت مینمایند در بعضی نقاط شخص دیگری نیز با آنها همراه است و او حامل سفره نان و خوراکی برای عروس و داماد است که در خانه عروس تهیه شده.

معمولا اهل محل عروس یا همسایگان «چوب بسرراه این جمعیت میگیرند» (۶) و تا از خانواده داماد که قد نگیرند راهرا باز نمی‌نمایند.

صاحبان تمام خانه‌هایی که در سرراه عبور این جمعیت واقعند در جلو خانه‌های خود آتش روشن میکنند و عروس و همراهان دور آنها میگردند با این ترتیب تا در خانه داماد پیش می‌آیند در اینجا داماد جلو آمده و انگشتری بانگشت عروس مینماید و خوش آمد میگوید و «کتی Coty» که عبارت از ظرفی است پر از شیرینی و آویشن و سنجد و مغز بادام و چندین عدد سکه نقره، بسر عروس میریزد.

در این موقع داماد که دست راستش در دست «دهبوبد» و دست چپش در دست عمو یا داییش میباشد در وسط حیاط خانه جلو آتشی که روشن شده و در حال اشتعال است منتظر عروس میایستد و سایرین عروس را با هستگی و وقار در میان فریاد شادی «ها پروش باش» مدعوین بنزد داماد میرسانند و خواهر داماد جای خود را باو میدهد و بدین طریق دست راست عروس در دست چپ داماد قرار میگیرد و داماد سکه‌ای از طلا یا نقره در کف دست عروس میگذارد (پانداز میدهد) دهبوبد که دست راست داماد را دارد سه دفعه آنها را بدور آتش میگرداند و بعد آنها را بچله راهنمایی مینماید و در جای معینی که قبلا برای عروس و داماد تهیه شده مینشاند و خود خارج میشود، سپس داماد روبروی عروس را برمیدارد و خواهر داماد سینی لبه‌داری جلو آنها میگذارد داماد جوراب پای راست عروس و جوراب پای راست خود را بیرون می‌آورد و با گلایی که خواهرش میریزد پای راست او دستها و صورت عروس و خودش را میشود و با دستمال سبز ابریشمی که جزو لباس دامادش از خانه عروس قبلا برایش فرستاده بودند و اکنون در جیب دارد آنها را پاک میکند و بعد شربت و شیرینی بدهان عروس میکند و خودش هم می‌آشامد از این پس بتدریج مدعوین بخانه‌های خود میروند و جشن پایان مییابد.

صبح روز بعد خواهر داماد باید تختخواب آنها را مرتب کند و بازاء این زحمت مبلغی را که داماد در تختخواب گذاشته است برمیدارد در بعد از ظهر این روز سه عمل انجام میگیرد.

۱ - داماد را «سر آب» میبرند

۲ - داماد به «دست بوسی» پدرزن میرود

(۵) پانداز عبارت است از ۳۳ سکه نقره یا ۳۳ واحد پول مخلوط با مقداری آویشن و سنجد و نقل و بادام.

(۶) دو نفر دوسرچوب یا طنابی را بار تفاع یک متر از سطح زمین در عرض جاده نگاه میدارند و مانع عبور جمعیت میشوند.

۳ - «دیدوید» (۷) عروس و داماد انجام میگیرد

قبل از آنکه داماد را «سرآب» بپزند از خانه پدرزن «شیرومور» (۸) بخانه داماد میآورند. تقریباً با تشریفاتی نظیر شب گذشته عروس و داماد را بهلوی هم مینشانند که با «شیرومور» دست و پای یکدیگر را بشویند و چون دست و پا شدن و پذیرائی با کلاب و آینه و شربت و شیرینی پایان یافت داماد مهبای «سرآب» رفتن میشود - و باتفاق «دستور» و «دهوبد» و عدهای از بستگان نزدیک داماد در حالیکه دو عدد چراغ لاله و مقداری لرك و ظرف شیر و مور با خود دارند بلب جوی آب میروند در اینجا «دستور» و داماد در دو طرف جوی و بروی یکدیگر میایستند و در کنار آنها دو عدد چراغ لاله روشن است و ظرف «لرك» «Lorck» بروی زمین قرار دارد و «کشتی نو» (۷) کنند و سپس دستور ظرف «شیرومور» را در دست گیرد و او ستای «آب زور» «âbzour» خواند و بتدریج «شیرومور» را در آب ریزد و سپس «دهوبد» «لرك» «Lorck» را بین حاضرین تقسیم کند و از آنجا بدون اینکه بخانه مراجعت کنند بگسر بمنزل پدرزن برای «دست بوسی» روند.

۲ - در این هنگام فضای خانه پدرزن را بوی عود و کندر و چوب صندل معطر ساخته است و چون داماد وارد شود پدرزن و مادرزن به پیشواز آیند و داماد دست آنها را بپوسد و پدرزن هدایائی بوی تقدیم کند و مادرزن «کتی» «Coty» (۹) بسرش ریزد و پذیرائی با کلاب و آینه و شربت و شیرینی انجام پذیرد داماد و همراهان بزودی مراجعت مینمایند تا بوقع برای «دیدوید» حاضر باشند در این موقع عروس بالای بام خانه منتظر مراجعت داماد است بعضی اینکه داماد خواست وارد خانه شود «کتی» بسرش میریزد. چون داماد بخانه خود مراجعت نمود از خانه پدرزن یک قابله ماست و یک لکن که گوسفند بریان شده در آن است و یک سینی پشمک بیدرقه داماد میفرستند و پدر و مادرزن و سایر بستگان عروس هم بلافاصله پس از رسیدن این اشیاء بخانه داماد برای «دیدوید» با انجام میروند.

۳ مراسم «دیدوید» که بآن «شبابش» هم میگویند تقریباً همان مراسم پاتختی است هدایائی که در این شب تقدیم عروس و داماد میشود گاهی بسیار زیاد و قابل ملاحظه است و تقریباً تمام اثاث الیت این زن و شوهر جدید را تشکیل میدهد.

از روز سوم برای عروس و داماد زندگی عادی شروع میشود و بجز درد و موقع «آشپزخانه رفتن» و «خانه خواندن» کسی زندگی آرام آنها را بهم نمیزند.

آشپزخانه رفتن: - دختر پس از آنکه بخانه شوهر آمد تا چند روز نباید با آشپزخانه برود و برای اینکه بتواند بکار خانه داری مشغول شود چند روز پس از عروسی او را با تشریفات آشپزخانه میبرند بدین طریق که پس از انتخاب روز بمادرزن خبر میدهند و او یک جفت «چله پیچ» (تیرک) و یک عدد کارد و دو عدد کله قند و یک تواره پارچه بخانه داماد میفرستد و خود نیز با انجام میروم در این روز عروس باید خبیر برای آش رشته ببرد و در تهیه آش رشته بسایرین کمک نماید.

در شب این روز عروس را با تشریفات نظیر آنچه برای «عروس کشان» ذکر شد با دادن پانداز با آشپزخانه میبرند در آنجا عروس و داماد را بهلوی یکدیگر مینشانند و داماد روسری عروس را بر میدارد و رونما میدهد و مادرزن سر عروس و داماد را نزدیک هم قرار داده و دو عدد کله قند بالای سر آنها بهم میزند تا بشکند این کله قندها متعلق به مستخدمین است و از آن پس «دیدوید» شروع میشود.

خانه خواندن: - موقعی است که برای اولین بار تازه عروس بخانه پدر خود میروند و تشریفات مفصلی ندارد فقط از خانه داماد یک سینی پشمک پس بامی عروس میفرستند و در آنجا هدایائی بزنی و شوهر جوان تقدیم میشود و از بستگان نزدیک طرفین پذیرائی بعمل میآید.

کشاورز

(۷) بعداً شرح آن بیاید.

(۸) mavre علفی است که در کنار جویها میروید و یک قسم آن چمن معمولی است که در خانه ها برای

زینت میکارند و «شیرومور» عبارت از شیر است که چندین برک چمن روی آن ریخته باشند

(۹) شرح آن گذشت



ای ضعف نام تو زن است «هکسیر»

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زنان از مردان عاقل تر هستند زیرا کمتر میدانند ولی بیشتر میفهمند. «جیمس سافنس»

«گفتار» اگر ده قسمت شونده قسمت آن او آن زنان و یک قسمت سهم مردان میشود.

«نامه و کتاب بابلی»



یک شاعر ایرانی میگوید: خداوند در ابتدای آفرینش یک گل سرخ، یک گل سوسن، یک کبوتر، یک مار، کمی عسل و مشی خاک برگرفت - هنگامیکه به این ترکیب نگاه کرد - زن بود.



زن همان موجودی که ما او را گناه تخفیف و تحقیر میکنیم - ممکن است با او زندگانی کنیم اما بدون او زندگی ممکن نیست. «فردریک زینولدز»



اگر قلب شکسته خود را بخدا بسپاریم سالم با باز میگرداند اما قلب سالم ما را از نان خوردن (۷) میکنند. «پرستویچ» (۸)



هنگامیکه شمعها خاموش شود زنان زیبا هستند. «پلوتارک» (۹)

ای زن، طبیعت ترا برای اصلاح مرد بوجود آورد زیرا، بدون تو وحشیانی پیش نبودیم.
«اتوی»

پروردگار زن را آفرید. تنهایی از جهان رخت بر بست و خیلی چیزهای دیگر. آفرینش زن
دومین خطای پروردگار است.
«نیچه»

«کتاب» من نگرستن بچهره زن است و «حماقت» را از همانجا آموخته‌ام. «توماس مور»

بتصور من آخرین موجودی که باید بوسیله مامتمدن شود «زن» است. «جرج مردیت»

بعلمت اینکه زن نباید بر مرد حکومت کند نباید بگوئیم زن از سر «آدم» ساخته شده است بلکه
شایسته است بگوئیم «حوا» از زیر بغل «آدم» خلق شده است تا از بلاها و خطرات خوب
محافظة شود. «آبراهام لینکلن»

از مصاحبت با زنان لذت میبرم زیرا زیبایی، ظرافت، چالاکی و سکوت! آنها را دوست دارم
«سمول جانسن»

اگر مردان میدانستند که زنان ساعات تنهایی خود را چگونه میگذرانند هرگز ازدواج
نیکردند. «گولد سمیت»

«موسیقی» و «زن» عصر و زمان مخصوص ندارد. «گولد سمیت»

«زن»، «درخت گردو» و «سک» را هر چه بیشتر بز نیم بهتر میشوند.
«توماس قولر»

زن همان کودک است منتها قدری درشت‌تر. «اردچتر فیلد»

میان «بله» و «نه» زنان بانداره یکسنجاق هم فاصله نیست. «سروانت»

کمی کوشش کرد و بنظر نادم می‌آمد سپس آهسته گفت راضی نیشوم - ولی رضایت داد.
«لرد بایرون»

زن حا کم مرد و شیطان فرمانروای زن است. «برنر»

ممکن است کسی در آغوش زن بیفتد و در چنگال او اسیر نشود؟ «امبروز بیرس»

همانطور که «آدم» گول خورد هنوز فرزندانش هم فریب میخورند. «برنر»

مده نقد تجرد را ز کف مفت
به از پهلوی زن در بستر نرم
«جامی»

چو عیسی گر توانی خفت بی جفت
بگلخن بشت بر خاکتر گرم

* * *

جهان پاك از این هر دو ناپاك به
«فردوسی»

زن و ازدها هر دو در خاک به

* * *

بساندی توانایی اندر نهان
«فردوسی»

اگر نیستی جفت اندر جهان

* * *

چرا مردان ره ایشان گزینند
«ناصر خسرو»

زنان چون ناقصان عقل و دینند

* * *

ز بون زن شدن آئین شیر مردان نیست
«ملاحسین کاشانی»

برای بکدم شهوت که خاک بر سر آن

* * *

که هر چیز را پاك جفت آفرید
فکو تر چو جفتیش همتا بود
«امدی»

بگیتی خداوند از آن شد پدید
بگانه کهر گر چه والا بود

ابتکار

روزی هنرپیشه بسیار خوشگلی برای دلجویی از زخمی‌ها بیک
مریضخانه نظامی رفته بود. در ضمن بازدید، از یکی از زخمیها پرسید:

هنرپیشه: آيا شما دشمنی هم گشته ايد؟

زخمی: بلی خانم

هنرپیشه: با کدام دست؟

زخمی: با دست راستم

هنرپیشه بوسه‌ای از دست راست زخمی گرفته بسراغ زخمی دیگری
رفت و سؤال خود را تکرار کرد.

مریض گفت خانم من بیشتر از صد دشمن گشته‌ام.

هنرپیشه تعجب کرده پرسید با کدام دست آنها را کشتی؟

زخمی در حالی که از رختخواب نیم خیز شده بود لبهای خود را جلو

آورده گفت:؛ بادند آنهايم